

خدای همیشه پیروز قرآن

حجت الاسلام والمسلمین سید محمد سلطانی*

اشاره

در شرایط جنگ کنونی ایران اسلامی با دشمن صهیونی و حامیان غربی او، توجه به تعالیم قرآن کریم می‌تواند تصویر روشنی از آینده این نبرد به دست دهد. یکی از ویژگی‌های قابل توجه داستان‌های قرآن کریم این است که نتیجه نهایی در همه آن‌ها پیروزی خداوند و جبهه حق است. هیچ داستانی در قرآن با شکست یک پیامبر یا جمعی از مؤمنان تمام نمی‌شود. البته به اقتضای لزوم ایجاد زمینه ابتلاء و آزمایش و پرورش استعداد های انسانی، در مسیر تحقق اهداف الهی همیشه سختی‌ها و گرفتاری‌هایی وجود دارند. حتی انبیاء الهی گرفتار توطئه‌ها، ترورها، آزارها، تحریم‌ها و ... می‌شدند، اما وعده تخلف‌ناپذیر خداوند این است که یاری او قطعاً نصیب رسولان و حزب خداوند خواهد شد و زمین میراث بندگان صالح او خواهد بود. با توجه به این دو نکته، قرآن همیشه جامعه مؤمنان را به توجه به آگاهی خداوند از شرایط سخت آنها، صبر در مجاهدت و امید به آینده فرا می‌خواند. شرط تحقق نصرت الهی برای حزب خدا این است که به وعده‌های الهی ایمان داشته باشند و این سرمایه پرارزش را در دوران سختی‌ها از دست ندهند.

حضور دائمی و آگاهی مطلق خداوند

در منظومه فکری قرآن، خداوند نه تنها خالق و نگهدارنده هستی است، بلکه حضوری دائم، فعال و آگاه در سراسر عالم دارد. تصویری که قرآن از خدا ارائه می‌دهد، فراتر از یک خدای ناظر و دور دست است. او خدایی است زنده، مقتدر، آگاه، مهربان، و بی‌واسطه حاضر در زندگی انسان؛ خدایی که نه تنها در آسمان‌ها و زمین حضور دارد، بلکه به آنچه در دل انسان‌ها می‌گذرد

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

نیز آگاه است. این نگاه، خدای قرآن را به خالق پویا و درگیر با حیات بشر تبدیل می‌کند، که رابطه‌ای نزدیک و عمیق با بندگان خود دارد.

قرآن با عباراتی چون «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ» (بقره/۲۵۵)، بر جاودانگی، حیات ذاتی و بی‌نیازی مطلق خداوند تأکید می‌کند. او همواره زنده است و قوام هستی به اراده و تدبیر اوست. در کنار آن، دانش بی‌پایان خداوند، عرصه‌ای وسیع را شامل می‌شود که هم امور آشکار را در بر می‌گیرد و هم آنچه در دل‌ها پنهان است. آیات متعددی بر این علم گسترده گواهی می‌دهند: «عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ» (انعام/۷۳)، «أَنَّ اللَّهَ يَلْعَلُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (حج/۷۰). این علم، نه تنها به جهان بیرون محدود نمی‌شود، بلکه درونی‌ترین حالات و نیت بشر را نیز در بر می‌گیرد: «يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ» (غافر/۱۹).

در کنار علم مطلق، قرآن از حضور همه‌جانبه خداوند در سراسر هستی سخن می‌گوید. او خدایی است که در عین برتری، در دسترس و نزدیک است. «وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ» (انعام/۳). از آیاتی هستند که این نزدیکی را به شکلی روشن توصیف می‌کنند. در نگاه قرآنی، خدا تنها در عرش نیست؛ او در همه‌جا حضور دارد و پیوسته در کنار انسان است، نزدیکتر از رگ گردن: «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (ق/۱۶).

از سوی دیگر، قدرت بی‌نهایت خداوند از دیگر صفات بنیادینی است که بارها در قرآن به آن اشاره شده است: «وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره/۱۸۹). چنین توانی، ضامن اجرای اراده الهی در عالم است و هیچ رخدادی بیرون از قلمرو قدرت او قرار نمی‌گیرد. اما این قدرت مطلق، هم‌زمان با رأفت و مهربانی الهی همراه است. قرآن خداوند را با صفاتی چون «رَّءُوفٌ» و «رَحِيمٌ» می‌خواند: «وَأَنَّ اللَّهَ رَعُوفٌ رَحِيمٌ» (نور/۲۰).

شکست‌ناپذیری حزب خدا

در نگاه قرآن، تاریخ بشر عرصه‌ای تصادفی و بدون هدف نیست، بلکه میدانی است برای تحقق اراده الهی، تجلی سنت‌های پروردگار، و آزمون ایمان بندگان. قرآن با نگاهی جهت‌دار به تاریخ می‌نگرد؛ نگاهی که از خلال آن، پیروزی نهایی از آن خداوند و جبهه مؤمنان معرفی می‌شود. آنچه در این روایت قرآنی برجسته است، نه صرفاً گزارش وقایع، بلکه ارائه‌الگویی معنوی و هدفمند از مسیر تاریخ است که در آن، شکست نهایی هیچ‌گاه نصیب پیامبران و حزب خداوند نمی‌شود.

قرآن تصريح مى‌کند که خداوند بر بندگان خود قاهر و چيره است: «هُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ» (انعام/۱۸) اين سلطه الهی، نه صرفاً قدرتی ماورایی، بلکه در طول تاريخ بشری نمود یافته است؛ به گونه‌ای که در تمام رویارویی‌های بزرگ میان حق و باطل، نهایت کار به نفع جبهه خدا رقم خورده است. در این چارچوب، شکست‌های ظاهری، تبعیدها، آزارها و حتی کشته‌شدن‌ها، پایان کار تلقی نمی‌شود، بلکه بخشی از یک فرایند الهی است که سرانجام آن، تحقق وعده‌های خداوند و استقرار حق است.

در این نگرش، حزب خدا - که همان مجموعه مؤمنان راستین و وفادار به راه انبیاء است - همیشه در نهایت برنده‌اند. آیه صریح و روشنی در قرآن، این اصل را اعلام می‌کند: «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مانده/۵۶) غلبه در این آیه، صرفاً یک پیروزی نظامی یا سیاسی محدود نیست، بلکه ناظر بر استیلا در معنای عمیق‌تر آن است: پیروزی در امتحان‌های الهی، بقا در راه حق، ماندگاری در تاريخ، و در نهایت، برتری در عرصه ابدی.

قرآن از تاريخ، به مثابه یک سند زنده و الهام‌بخش برای مؤمنان استفاده می‌کند. داستان‌هایی از پیامبرانی چون نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و پیامبر اسلام ﷺ در قرآن آمده‌اند که همگی نشانه‌هایی از این سنت الهی‌اند: رنج‌ها و مقاومت‌ها، همراه با امید و پیروزی‌های بزرگ. حتی در سخت‌ترین شرایط، جبهه ایمان هرگز به بن‌بست نمی‌رسد؛ چراکه خداوند خود وعده داده است که شکست از آن حزب او نخواهد بود.

از این منظر، تاريخ قرآنی تاریخی است مبتنی بر وعده‌های محقق‌شده، سنت‌های لایتنیغیر و الگویی پایدار از تقابل حق و باطل؛ الگویی که در آن، مؤمنان و پیامبران، هرچند درگیر سختی‌ها و مقاومت‌ها، در نهایت حاملان پیروزی‌اند. این شکست‌ناپذیری، برخاسته از اتکا به قدرت خداوندی است که بر همه چیز قاهر است و سنت‌هایش تغییرناپذیر.

صبر و جهاد: فرآیند پرورش و غربالگری مؤمنان

زندگی در حزب خدا همواره با آزمون‌هایی سخت همراه بوده است. نمونه‌های فراوانی در تاريخ قرآن ذکر شده که پیامبران و مؤمنان در برابر ظلم و خشونت قرار گرفته‌اند، ولی هر بار در نهایت خداوند به نفع حزب خود پیروز شده است. مثلاً هابیل که قربانی ظلم برادر خود شد: «فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ» (مانده/۳۰)، ولی در نهایت فرزندان او وارث زمین شدند. ابراهیم که به آتش افکنده شد، ولی خداوند آن را برای او سرد و سلامت ساخت: «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ» (انبیاء/۶۹).

قوم‌هایی مانند نوح، عاد و ثمود که پیامبران را تکذیب کردند و گرفتار عذاب الهی شدند: «فَقَدْ كَذَّبْتَ قَبْلَهُمْ قَوْمَ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودٌ» (حج/۴۲)، و همچنین قوم ابراهیم، لوط و اصحاب مدین که مقابل دعوت پیامبران ایستادند: «وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ» (حج/۴۳-۴۴).

یوسف که به چاه افکنده شد «الْقَوْهُ فِي غَيَابَةِ الْجُبِّ» (یوسف/۱۰)، اما در نهایت خداوند او را در زمین متمکن ساخت: «وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ» (یوسف/۵۶). قوم موسی که با ظلم و شکنجه مواجه شدند: «يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ» (قصص/۴)، اما نجات یافتند: «وَأَنْجَيْنَا مُوسَى وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ» (شعراء/۶۵).

عیسی که شکنجه شد و تا پای صلیب رفت، ولی خداوند او را از آن حالت رهانید: «وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ» (نساء/۱۵۷) و «بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ» (نساء/۱۵۸). اصحاب کهف که به غار پناه بردند و سال‌ها در امان ماندند: «فَأْوُوا إِلَى الْكَهْفِ» (کهف/۱۶) و «وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِئَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا» (کهف/۲۵).

این سختی‌ها و آزمایش‌ها هیچگاه بی‌هدف نیست. خداوند برای رشد و پرورش مؤمنان از هر سختی به عنوان فرصتی استفاده می‌کند. او با حکمت خود، آموزش می‌دهد، آزمون می‌گیرد، غربال می‌کند و آنهایی که پایدار می‌مانند را محبوب و بزرگ می‌کند: «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ» (مائده/۱۶). خداوند به بندگانش یادآور می‌شود که زمین گسترده است و باید تنها او را پرستید: «إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ» (عنکبوت/۵۶) و وعده‌اش هرگز تخلف نمی‌شود: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ» (رعد/۳۱) و او به بندگانش بی‌نا و آگاه است: «إِنَّهُ كَانَ بِعَبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا» (اسراء/۳۰).

در برابر این آزمون‌ها، مؤمنان باید صبر زیبا و استقامت داشته باشند: «فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا» (معارج/۵). خداوند وعده پیروزی به رسولان و مؤمنان می‌دهد که نه تنها در زندگی دنیا بلکه در روز قیامت نیز برنده‌اند: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» (غافر/۵۱).

در عین حال، خداوند به روشنی اعلام می‌کند که ظلم و ستم هرگز به پیروزی نمی‌رسد: «إِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظَّالِمُونَ» (انعام/۲۱) و نتیجه نهایی متعلق به پرهیزکاران است: «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (قصص/۸۳).

سرانجام، وعده الهی درباره زمین است که سرانجام صالحان وارث آن خواهند شد: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء/۱۰۵). نزدیک بودن

پيروزى را نيز اين گونه نويد مى دهد: «الْيَسَّ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ» (هود/۸۱) و «بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (هود/۸۶).

با تمام اين اوصاف، سختى ها، آزمائش ها و حتى شکنجه ها و مرگ، تنها بخشى از روند پرورش و امتحان مؤمنان است. خداوند با اين مسير طولانى، بندگان خالص و ثابت قدم خود را از ميان جمعيت جدا مى کند. آنان که از اين مسير سخت بيرون آيند، نه تنها محبوب خداوند مى شوند بلکه همواره پيروز و رستگار خواهند بود..

شکست نهايى دشمنان حزب خدا

تاريخ قرآن پر است از رخدادهايى که نشان دهنده قدرت خداوند در مقابله با دشمنان اوست. ابراهيم عليه السلام از آتش نجات يافت، آنچه ان که قرآن مى فرمايد: «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ» (انبيا/۶۹). اين نجات نمادى است از حمايت بى وقفه خداوند براى بندگان وفادارش.

اما سرنوشت دشمنانى که سرکشى کردند، جز عذاب الهى نبود. قوم نوح، عاد، ثمود، هود، صالح، لوط و شعيب به خاطر تکذيب پيامبران شان گرفتار عذاب شدند؛ همانطور که قرآن مى گويد: «فَقَدْ كَذَّبْتَ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودُ» (حج/۴۲) و «وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ» (حج/۴۳-۴۴).

در مقابل، يوسف عليه السلام نهايتاً به قدرت و پادشاهى مصر رسيد و موسى و قومش نيز از چنگال فرعون و ظلم هايش نجات يافتند: «وَأَنْجَيْنَا مُوسَىٰ وَمَنْ مَّعَهُ أَجْمَعِينَ» (شعراء/۶۵). اين نجات تاريخى بار ديگر نشان دهنده وعده قطعى خداوند به پيروزى حزب خودش است؛ عيسى عليه السلام نيز از صليب رها شد، و خداوند او را به سوى خود بالا برد: «وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ» (نساء/۱۵۷) و «بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ» (نساء/۱۵۸)؛ اصحاب كهف به مدت سيصد و نه سال زير حمايت ويژه خداوند بودند تا از خطرات در امان بمانند: «وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا» (كهف/۲۵) و در نهايت، اسطوره ايمان شدند...

اين داستان ها، بيانگر آن است که تاريخ قرآن داستان شکست نيست. قرآن هيچگاه زبان نااميدى، عجز و ناتوانى به کار نمى برد: «وَلَا تَيْئَسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْكَافِرُونَ» (يوسف/۸۷). خداوند همواره پيروز است و حزب او تنها در صورتى برنده است که به اين پيروزى ايمان داشته باشد: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران/۱۳۹).

دشمنان خدا اگر خودشان دست از ظلم و گمراهی برندارند: «إِلَّا قَوْمٌ يُونُسَ لَمَا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ» (یونس/۹۸)، یا به دست خودشان و به وسیله حزب خدا نابود می‌شوند: «يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ» (حشر/۳)، یا خداوند مستقیماً وارد عمل می‌شود و آنها را به عذاب‌های گوناگون گرفتار می‌کند. وقتی عذاب نازل می‌شود، زمین و آسمان زیر و زبر می‌شوند، و دشمنان در خانه‌های خود به صورت اجساد بی‌جان می‌افتند: «فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِثِيمِينَ» (اعراف/۹۱)؛ قلب‌های کافران از ترس فرو می‌ریزد: «سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ» (انفال/۱۲) و شهرهایشان: «فَجَعَلْنَا عَلَيْهِمَا سَافِلَهًا» (حجر/۷۴). طوفان‌ها و بلایای طبیعی نیز از سوی خداوند فرستاده می‌شوند: «فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ» (اعراف/۱۳۳).

اما خداوند همواره از مؤمنان دفاع می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا» (حج/۳۸) و بارها یادآوری می‌کند که حزب او همیشه غالب و پیروز است: «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مائده/۵۶) و: «وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ» (انعام/۱۸).

خداوند، صبور و حکیم است: «وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ» (حج/۵۹) و فرصت‌هایی ایجاد می‌کند تا بندگان به درگاهش بازگردند: «فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْأَسَاءِ وَالْضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ» (انعام/۴۲). او به بندگان آموزش می‌دهد و می‌داند که ایمان بدون آزمایش تحقق نمی‌یابد: «وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ» (بقره/۲۸۲): «أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (عنکبوت/۲). در جنگ‌ها و حوادث سخت، هر اتفاقی که می‌افتد، با اجازه خداوند است تا مؤمنان و منافقان شناخته شوند: «وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا» (آل عمران/۱۶۶) و در مقابل، جان و مال مؤمنان را خریده است تا بهشت را به آنها بدهد: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ» (توبه/۱۱۷) و به کسانی که در راه خدا کشته شدند، وعده حیات و روزی می‌دهد: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا. بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران/۱۶۹).

آری لشکرهای انبوه دشمنان گرد هم جمع می‌شوند: «إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ» (آل عمران/۱۷۳)، منافقان توطئه می‌کنند: «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخْدِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ» (نساء/۱۴۲)، ترور می‌کنند: «وَهُمَّا بِمَا لَمْ يَنَالُوا» (توبه/۷۴)، بُزدلان جا می‌زنند: «مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِنْهُمْ» (توبه/۱۱۷)، طمعکاران سنگر را رها می‌کنند: «حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ» (آل عمران/۱۵۲)، دشمنان تحریم می‌کنند: «يَقُولُونَ لَا تَنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا» (منافقون/۷)، ضربه می‌زنند: «إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ» (آل عمران/۱۴۰)، تبعید می‌کنند، آزار می‌دهند و می‌کشند: «فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ ديارِهِمْ

وَاوْدُوا فِي سَبِيلِي وَ قَتَلُوا» (آل عمران/۱۹۵)، ... اما آخر داستان، خدا همیشه پیروز است؛ و البته حزب او: «وَهُوَ الْفَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ» (انعام/۱۸) و: «فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مانده/۵۶).

نقش ایمان در تحقق پیروزی حزب خدا

در مسیر زندگی و مبارزه برای حق و حقیقت، هیچگاه راه خدا بن بست نیست: «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ» (مانده/۱۶) و سرزمین او محدودیت ندارد: «إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإَيَّايَ فَاعْبُدُونِ» (عنکبوت/۵۶). وعده‌های الهی، هرگز مبهم و غیرقابل تحقق نیستند، بلکه کاملاً روشن و قطعی‌اند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ» (رعد/۳۱). خداوند متعال از همه حالات و شرایط بندگان خود باخبر است و هیچ چیز در وجود انسان و جهان پنهان نمی‌ماند: «إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا» (الاسراء/۳۰). این آگاهی کامل خداوند است که اساس اطمینان و اعتماد به پیروزی حزب خدا را فراهم می‌آورد.

ایمان راسخ به خداوند و وعده‌هایش، بزرگ‌ترین پشتوانه مؤمنان در برابر سختی‌ها و دشمنی‌هاست. قرآن این نکته را با لحنی قاطع و امیدبخش یادآور می‌شود که «وَلَا تَهْنُؤُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران/۱۳۹). این آیه به روشنی نشان می‌دهد که شرط اول پیروزی، داشتن ایمان است. ایمان، روح مقاومت در برابر فشارها و ناامیدی‌ها را زنده نگه می‌دارد و مومن را به بالاترین درجه توانمندی روحی و عملی می‌رساند.

پیروزی در قرآن محدود به غلبه در میدان جنگ یا کسب موفقیت‌های مادی نیست: «قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسْنَيْنِ» (توبه/۵۲) بلکه یک پیروزی کلی و نهایی است که شامل ثبات قدم، اصلاح نفس، پایبندی به اصول حق و تحقق اهداف الهی می‌شود. همه پیامبران الهی در برابر سختی‌ها و ستم‌ها ایستادگی کردند و هرگز شکست نخورده‌اند: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» (غافر/۵۱)، چرا که پیروزی حقیقی از آن خداوند و حزب راستین اوست. این حقیقت، منبع امید مؤمنان در هر زمان و مکان است.

قرآن این وعده را می‌دهد که سپیده‌دم پیروزی نزدیک است: «أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ» (هود/۸۱) و کسانی که به خداوند اعتماد کرده و در مسیر او گام بردارند، هرگز تنها نخواهند ماند: «وَهُوَ الْفَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ» (انعام/۱۸). این پیروزی نهایی متعلق به حزب صالح خداست، همان کسانی که در سختی‌ها صبورند، از هر تجربه‌ای درس می‌گیرند و تسلیم ناملازمات نمی‌شوند.

از سوی دیگر، دشمنان خدا، هرچند ممکن است در کوتاه‌مدت بر مؤمنان فشار آورند یا ظاهراً بر آنها پیروز شوند، اما پایان کار به نفع حزب خدا خواهد بود. طاغوت و ستمگران،

نابودشدنی‌اند و هیچگاه قادر نخواهند بود اراده خدا را بر زمین غالب کنند: «وَلَا تَهْنُؤُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران/۱۳۹).

بنابراین، ایمان نه تنها یک باور قلبی، بلکه نیروی محرکه تحقق وعده‌های الهی و شکست‌ناپذیری حزب خدا است. هر مومنی که به این حقیقت ایمان داشته باشد، می‌داند که سختی‌ها و رنج‌ها موقتی و آزمون‌هایی الهی‌اند که برای تقویت و پالایش روح و تقویت پیوند با خداوند فرستاده شده‌اند.